

بررسی رابطه نظام راهبری و ویژگی‌های حسابداری با مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران

رویا دارابی^۱، فاطمه اژدری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۲۵

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه نظام راهبری و ویژگی‌های حسابداری با مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور انجام تحقیق، تعداد ۶۲ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ جهت آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند. متغیرهای مستقل این تحقیق مالکیت نهادی، تنوع جنسیت هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، رتبه موسسه حسابداری و تغییر حسابداری و متغیر وابسته آن مدیریت سود واقعی و همچنین متغیر کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نوع همبستگی می‌باشد که برای بررسی ارتباط بین متغیرها از داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که، مالکان نهادی ارتباط مستقیم و معنی داری با مدیریت سود واقعی دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد بین حضور زنان در بین اعضای هیات مدیره و مدیریت سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این در حالی است که بین سایر ویژگی‌های هیات مدیره و انواع مدیریت سود رابطه معناداری یافت نشد. همچنین نتایج بیانگر آن است که اگر شرکتی بدون استقلال هیات مدیره به شرکتی با استقلال هیات مدیره تغییر سطح بدهد، میانگین مدیریت سود واقعی کاهش معناداری خواهد داشت. در نهایت نتایج بیانگر معنادار بودن رابطه چرخش حسابداری، رتبه حسابداری و اندازه شرکت با مدیریت سود واقعی می‌باشد. این در حالی است که متغیرهای اهرم مالی بر میزان مدیریت سود تأثیر معناداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: چرخش حسابداری، رتبه حسابداری، جنسیت، استقلال، مدیریت سود واقعی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, G34

DOI: 10.22051/ijar.2017.13803.1255

^۱ دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، نویسنده مسئول (royadarabi110@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، (f.ajdari@gmail.com)

مقدمه

از مسائل مهمی که به دلیل رسوایی‌های گسترده مالی دهه‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته و به‌عنوان یکی از موضوعات مهم برای سرمایه‌گذاران مطرح شده موضوع راهبری شرکتی است که به حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان می‌پردازد. بررسی علل و شرایط ایجاد این رسوایی‌ها مشخص کرده است که در موارد فقدان نظارت بر مدیریت، راهبری ناقص سهامداران شرکت‌ها بر نحوه اداره امور و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی زمینه مساعدی را برای سوءاستفاده آنان فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال راهبری صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابرسی منظم شرکت‌ها است که در مجموع تحت عنوان فرآیند راهبری شرکتی شناخته می‌شود. راهبری شرکتی به مجموعه روابط میان مدیریت اجرایی، هیئت‌مدیره، سهام‌داران و سایر طرف‌های مربوط در یک شرکت می‌پردازد (حساس یگانه، ۱۳۸۴). مدیریت سود از طریق اقدام واقعی، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می‌باشد. سازوکارهای حاکمیت شرکتی، راهی برای توقف مدیریت سود و در نتیجه، کاهش تضاد منافع است. یکی از اهداف راهبری شرکتی، ایفای مسئولیت پاسخگویی می‌باشد (حساس یگانه و صدیقی، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر تلاش شده است این موضوع بررسی گردد که «آیا مکانیزم‌های راهبری شرکتی و ویژگی‌های حسابرسی بر مدیریت سود واقعی تأثیر دارد یا خیر؟». نقش اجتماعی حسابرسی شرکت‌ها را باید در ساختار گسترده‌تر راهبری شرکتی گنجانند. به‌عبارتی، سازوکارهای مختلف سازمانی و نهادی که برای هدایت و کنترل شرکت‌های سهامی و مدیریت آن‌ها هم به‌صورت درون‌سازمانی هم به‌صورت برون‌سازمانی وجود دارد. چنین کنترلی، پیچیده و چندلایه است و شامل حسابرسی داخلی و مستقل، استفاده از کمیته‌های حسابرسی و نقش مدیران غیرموظف، حق رأی دادن سهامداران من جمله رأی و کالتی و دخالت «سرمایه‌گذاران نهادی» در امور شرکت می‌باشد.

مبانی نظری

مدیریت سود واقعی

به‌منظور دستیابی به سطح موردنظر سود، مدیران می‌توانند تا پایان سال صبر و از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود گزارش شده استفاده کنند؛ اما این راهکار ممکن است این خطر را در پی داشته باشد که مقدار سودی که برای دستکاری مدنظر است از ارقام تعهدی اختیاری موجود بیشتر باشد؛ زیرا اختیار در مورد ارقام تعهدی از طریق اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری محدودشده است (بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲). فرض بر این است که رویدادهای اقتصادی اساسی هر شرکت، توانایی مدیران را برای گزارش سود تعهدی دچار محدودیت می‌سازد. در نتیجه، این امکان وجود دارد که مدیران نتوانند از طریق ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال به سود موردنظر خویش دست پیدا کنند. مدیران می‌توانند از طریق دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی در طول سال این خطر را کاهش دهند. شیپر (۱۹۸۹) بیان کرد که مدیریت سود می‌تواند فعالیت‌های واقعی را نیز شامل گردد. این نوع مدیریت سود از طریق تغییر در فعالیت‌های عملیاتی باهدف گمراه کردن ذینفعان انجام می‌شود. دستکاری فعالیت‌های واقعی بر جریان‌های نقدی و در پاره‌ای از موارد بر ارقام تعهدی تأثیرگذار است. تفاوت اساسی بین مدیریت ارقام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی در زمان‌بندی مدیریت سود است. در مقایسه با مدیریت ارقام تعهدی، هرگونه دستکاری در فعالیت‌های واقعی می‌باید در دوره‌ای از سال به وقوع بپیوندد. دستکاری فعالیت‌های واقعی هنگامی رخ می‌دهد که پیش‌بینی مدیران حاکی از آن است که سود در برآورده ساختن اهداف موردنظر آنها با شکست روبه‌رو خواهد شد و یا آنکه اقداماتی که از روش عادی شرکت نشأت می‌گیرد و با استفاده از عوامل دیگر مانند استانداردهای حسابداری سختگیرانه، مدیریت ارقام تعهدی را برای آنها با محدودیت مواجه نماید. مزیت دیگر تغییر فعالیت‌های واقعی در جهت دستکاری سود این است که حسابرسان و قانون‌گذاران کمتر متوجه چنین رفتاری می‌شوند (یو، ۲۰۰۸). مدیریت واقعی سود بر جریان‌های نقدی شرکت اثر مستقیم دارد. در این روش، وجوه نقد قربانی سود تعهدی می‌شود و مهم‌ترین ضرر آن از بین رفتن ارزش شرکت به دلیل کاهش جریان‌های نقدی دوره‌های آینده است. مدیریت ارقام تعهدی نیز بدون هزینه نیست. کشف دستکاری ارقام تعهدی می‌تواند احتمال نیاز به بررسی‌های ویژه از جانب حسابرسان را به وجود آورد. همچنین ممکن است به

مجازات مالی توسط جوامع حرفه‌ای و قانونی (مانند بورس و اوراق بهادار)، لزوم ارائه مجدد سود و بررسی موضوع در دادگاه‌های حقوقی منجر شود (مجتهد زاده و ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۸).

ویژگی‌های راهبری شرکتی و مدیریت سود واقعی

اگرچه بحث مدیریت سود موضوع جدیدی در حرفه حسابداری به شمار نمی‌رود (لویت، ۱۹۹۸)، اما یک استراتژی پنهان برای هیات رئیسه شرکت به شمار می‌رود (رافیک ۲۰۰۲). در نتیجه از بعد اخلاقی، عمل مدیریت سود با توجه به مدیریت کردن ادراک استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی، یک عمل غیراخلاقی در نظر گرفته می‌شود (جوهری و همکاران ۲۰۰۸). طبق شواهدی که تحقیقات رافیک (۲۰۰۲) نشان می‌دهد، اکثریت پاسخ‌دهندگان باور دارند که دستکاری سود یک عمل اخلاقی نیست. از سوی دیگر برخی نیز بر این عقیده‌اند که مدیریت سود عملی است که به وسیله شرکت‌ها در جهت منافع سرمایه‌گذاران صورت می‌پذیرد. مطابق این نظریه، هیل و والن (۱۹۹۹) معتقدند که گزارشگری مالی می‌تواند ارزش شرکت را افزایش دهد؛ از این دیدگاه نه تنها مدیریت سود یک عمل اخلاقی به شمار می‌رود، بلکه استانداردهای پذیرفته شده حسابداری باید دست مدیران را در انتخاب روش‌های حسابداری و به کارگیری قضاوت و برآورد باز بگذارند. بنابراین دو عقیده کاملاً متضاد وجود دارد و این اختلاف نظر کنترل اختیار مدیریت در انتخاب رویه‌های متنوع حسابداری را دشوار می‌سازد. جوهری (۲۰۰۸) نظارت بر انتخاب رویه‌های متنوع حسابداری را مفید می‌داند. یکی از راه‌های اجرایی کردن این نظارت استفاده از سازوکار حاکمیت شرکتی است. تعریف موردتوافقی در مورد راهبری شرکتی وجود ندارد، با این وجود می‌توان بر اساس یک تعریف عمومی حاکمیت شرکتی را نظامی نامید که شرکت‌ها با آن، هدایت و کنترل می‌شوند (یگانه و معیری، ۱۳۸۵). پس در این میان، جایگاه هیأت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهام‌داران بر عهده دارد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد (مکرمی، ۱۳۸۲). تحقیقات انجام شده در این زمینه وجود برخی ویژگی‌های اعضای هیأت مدیره از قبیل استقلال و صلاحیت را مکانیسمی مؤثر در نظارت بر مدیریت می‌دانند (بیسلی، ۱۹۹۶؛ چتوریو و همکاران، ۲۰۰۱؛ بوون و همکاران، ۲۰۰۲؛ زی و همکاران، ۲۰۰۳؛ پیسنل و همکاران، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶).

ساختار هیات مدیره شرکت‌ها متأثر از ساختار مالکیت آن‌ها بعضاً در کشورهای مختلف، متفاوت است و موضوع مورد بحث آن است که افق زمانی سرمایه‌گذاران مختلف در خصوص نگهداری سهام به‌طور معناداری متفاوت از یکدیگر است. بر مبنای یافته‌های محققین غربی سرمایه‌گذاران (سهامداران) جزء، دلالتان سهام و شرکت‌های سرمایه‌گذاری افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت دارند، در حالی که مدیران شرکت‌ها، مؤسسات مالی و شرکت‌های هلدینگ از افق سرمایه‌گذاری بلندمدت برخوردار می‌باشند. چنان‌چه ساختار مالکیت شرکت عمدتاً متشکل از گروه اول باشد، مدیریت جهت جلب نظر این گروه‌ها متمایل به دستکاری سود است. برعکس، در صورتی که ساختار مالکیت شرکت عمدتاً متشکل از گروه دوم باشد، مدیریت به دلیل افق بلندمدت این گروه و تمایل آن‌ها به حداکثر کردن ثروت در بلندمدت نمی‌تواند تمایل چندانی در دستکاری سود داشته باشد (پور حیدری و همتی، ۱۳۸۳).

در حالی که در کشورهایی مانند آمریکا و ژاپن بر مالکیت خصوصی تمرکز شده است، در ایران ساختار مالکیت شرکت‌ها عمدتاً متشکل از شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بنیادها، نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی است و از آنجا که سازمان‌های دولتی نظیر سازمان گسترش و نهادهای عمومی نظیر تأمین اجتماعی و بنیادها از افق دید بلندمدت برخوردارند، به نظر می‌رسد این شرکت‌ها تمایل کم‌تری به سفته‌بازی و خریدوفروش‌های کوتاه‌مدت داشته باشند.

مالکان نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر اشخاص حقوقی و حقیقی دارای سهام عمده هستند. برخی از نویسندگان از جمله شلیفر و ویشنی (۱۹۹۷)، معتقدند از آنجا که تمامی سهام‌داران از منافع فعالیت‌های نظارتی سهام‌دار نظارت‌کننده، بدون هزینه بهره‌مند می‌شوند، بنابراین تنها سهام‌داران عمده، انگیزه لازم برای اعمال فعالیت‌های کنترلی و نظارتی را دارند. در این ارتباط، تحقیقات و نجیم (۲۰۱۰) بیانگر اثر مثبت مالکان نهادی بر عملکرد است. در این رابطه، بررسی ساختار مالکیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مبین آن است که حدود ۶۶ درصد از مالکان نهادی در بورس ایران را شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی مانند سازمان گسترش و بنیادها تشکیل می‌دهند (مرادی و همکاران، ۲۰۱۲). از دیدگاه نظری، جایگاه مالکان نهادی در حاکمیت شرکتی بسیار پیچیده است. از دیدگاه دیگر، مالکان نهادی یکی دیگر از سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی است که مشکلات نمایندگی را کنترل می‌کند و حمایت از منافع سرمایه‌گذاران را بهبود می‌بخشد

(شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). همچنین چنین تمرکزی می‌تواند اثرات منفی هم داشته باشد، مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه، که عدم تقارن اطلاعاتی را بین مالکان نهادی و سهام‌داران کوچک‌تر ایجاد می‌کند.

تنوع جنسیت هیأت مدیره از منظر نظریه‌های مختلف نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد (باتیولا، ۲۰۰۸). برای مثال، نظریه نمایندگی اساساً با استقلال هیأت مدیره و تعادل بین مدیران اجرایی و غیر اجرایی در ارتباط است. تنوع در نمایندگی به واسطه تنوع در گروه‌ها باعث ایجاد تعادل در هیأت مدیره می‌شود و از چیره شدن گروهی کوچک از اعضا بر کل هیأت مدیره جلوگیری می‌کند (همپل، ۱۹۹۸). به علاوه وجود تنوع رعایت قاعده انصاف در رابطه با ذی‌نفعان و نمایندگی هیأت مدیره را در پی خواهد داشت (کیسلی و هم‌کاران، ۱۹۹۷). از دیدگاه وابستگی منابع نیز، هیأت مدیره یک منبع استراتژیک است که باعث ایجاد پیوستگی در منابع خارجی می‌گردد (اینگلی و ون در والت، ۲۰۰۱) و این امر به واسطه وجود تنوع در هیأت مدیره تسهیل می‌گردد. بسیاری از محققین معتقدند که افزایش تنوع هیأت مدیره منجر به ایجاد حاکمیت و بهره‌برداری از حوزه وسیع‌تر استعدادها می‌شود. در این اواخر نیز موضوع وجود تنوع مورد توجه محققین مختلف قرار گرفته است. موضوعات مورد بررسی عبارت بوده‌اند از: دلایل حضور کم‌تر زنان در هیأت مدیره‌ها (بارک، ۱۹۹۷؛ سینگ و وینی کامب، ۲۰۰۴) پیش‌بینی نیروهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر اعضای زن هیأت مدیره (بارک، ۲۰۰۰)، تجربیات مدیران و آگاهی از نقش اعضای زن هیأت مدیره (بارک و ماتیس، ۲۰۰۰؛ هیوز و سالبرگ، ۲۰۰۶؛ جمالی، سیف‌الدین و دیوک، ۲۰۰۷). اعضای زن هیأت مدیره احتمالاً دارای برخی مهارت‌های مدیریتی بالاتری از قبیل آشنایی با مسائل قانونی، منابع انسانی، ارتباطات و روابط عمومی نسبت به بازاریابی و بهره‌برداری خط تولید در مقایسه با مردان هستند. (زلچاومسکی و بیلی سوریا، ۲۰۰۴). تحقیقات اخیر بر نقش مثبت وجود اعضای زن هیأت مدیره بر عملکرد شرکت‌ها نیز اشاره داشته‌اند (اسمیت، اسمیت و وارنر، ۲۰۰۶؛ باتیولا، ۲۰۰۸). لتندر (۲۰۰۴) بیان داشت که اعضای زن هیأت مدیره باعث ایجاد تنوع در نقطه نظرات هیأت مدیره و انجام گفتگوهای جذاب‌تر می‌گردند. ممکن است زنان ابعاد و ارزش‌های متفاوتی در ارتباط با نظراتشان بیان کنند. (باتیولا، ۲۰۰۸). به‌عنوان یک نتیجه، احتمال آن که اعضای زن هیأت مدیره در خصوص موضوعات متفاوت یا یک تصمیم مدیریتی خاص با سؤالات خود موضوع را به چالش کشیده

و باعث باز شدن مبحث گردند، زیاد است (فونداس و ساسالوس، ۲۰۰۰؛ هیوز و سالبرگ، ۲۰۰۶). حتی اگر تنوع جنسیت باعث بروز عدم توافق گردد به عقیده لتندر (۲۰۰۴) این عدم توافق ارزشمند است، زیرا منتهی به تصمیمات بهتر و هیأت مدیره پویاتر می‌شود.

ویژگی‌های حسابرسی و مدیریت سود واقعی

رسوایی‌های مالی اخیر در سطح بین‌الملل نظیر لمن برادرز، ساتیوم، انگلو ایریش بانک، انرون، ورلد کام و... نگرانی‌هایی را در مورد کیفیت سود پدید آورده است. حسابرسی مستقل نقش اساسی در فرایند گزارشگری مالی و قابلیت اعتبار آن بازی می‌کند (نیکولز، ۲۰۰۰). درحالی‌که مسئولیت تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است، اما در پی این رسوایی‌ها، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نیز نشانه رفته است. برای مثال، در رسوایی انرون، علاوه بر مدیریت ارشد شرکت، حسابرسی (موسسه آرتور اندرسون) نیز به خاطر عدم کشف تقلب‌های صورت پذیرفته، مقصر شناخته شد. در این مورد این اجماع نظر وجود دارد که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی، موجب وقوع چنین رسوایی‌هایی گشته است. در پی این وقایع، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در پی سازوکارهایی برای بهبود استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی بوده‌اند (پیرز و اندسون، ۱۹۸۴).

پیشینه تحقیق

نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون تفاوت میانگین، نشان داد که شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی بوده‌اند، اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند. به عبارتی در اینگونه شرکت‌ها، مدیریت سود کمتر اتفاق می‌افتد. شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی می‌باشند، در سطوح یکسان توانایی حاکمیت شرکتی نیز دارای اقلام تعهدی اختیاری کمتری هستند. شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند. بطور کلی، نتایج بیانگر آن است که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد. بدین ترتیب نتایج گویای این مطلب است که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین‌کننده موثر بر مدیریت سود است.

حساس یگانه و صدیقی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "ساختار حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری" انجام دادند، نتایج حاکی از آن بود که میزان مدیریت سود به صورت مستقیم با محتوای اطلاعاتی سود مرتبط است و میزان مدیریت سود در مقایسه با ساختار حاکمیت شرکتی، تأثیر بیشتری بر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری دارد.

فخاری و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند رابطه معنی داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد. این یافته‌ها می‌تواند برای خط مشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول راهبری شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش راهبری شرکتی را به همراه داشته باشد.

لین و لیو (۲۰۰۹) در بررسی رابطه بین تغییر حسابرس و نظام راهبری شرکتی در کشور چین دریافتند، شرکت‌هایی که ارکان و سازوکار نظام راهبری در آن‌ها ضعیف تر است، بیشتر به دنبال موسسات حسابرسی کوچک بوده و برای این منظور حسابرس خود را تغییر می‌دهند. آن‌ها در نتیجه گیری تحقیق خود عنوان می‌نمایند که استقرار نظام راهبری کارآمد، می‌تواند موجب کاهش تغییر حسابرس و در نتیجه باعث افزایش کیفیت حسابرسی شود.

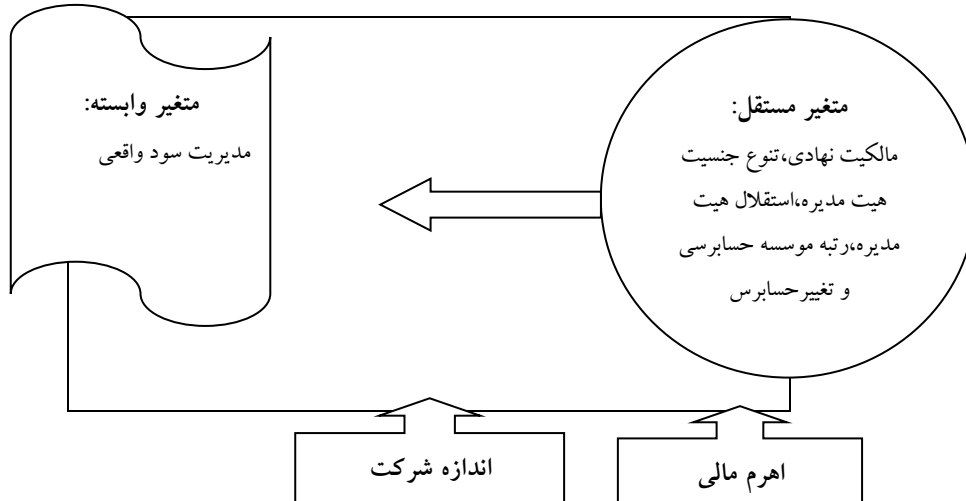
گرینر (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان "تبعات مدیریت سود واقعی و حاکمیت شرکتی ضعیف؛ شواهدی از نگهداشت وجه نقد"، به این نتیجه رسید که مدیریت سود واقعی، ارزشیابی سهامداران از نگهداش وجه نقد را کاهش می‌دهد و وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی این ارزشیابی را بهبود می‌بخشد.

نتایج بررسی ایمر و الیجه (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که تخصص مالی، اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی رابطه معکوس و معناداری با مدیریت سود را نشان می‌دهد. به طوری که افزایش در هر متغیر کمیته حسابرسی، کاهش در مدیریت سود ایجاد می‌کند.

نتایج بررسی کورنیا و پرادپتا (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که جلسات کمیته حسابرسی، هیئت مدیره و مالکان نهادی بر مدیریت سود واقعی اثر می‌گذارند. جلسات کمیته حسابرسی نمی‌تواند مدیریت سود واقعی را کاهش دهد. مالکان نهادی می‌توانند انحراف ناشی از فعالیت واقعی را کاهش دهند.

نتایج بررسی عبادی و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که مدیریت سود بر شاخص‌های راهبری اثر منفی دارد. زمانی که کیفیت راهبری شرکتی افزایش می‌یابد، مدیریت سود کاهش می‌یابد.

با توجه به مطالب بیان شده مدل مفهومی تحقیق به صورت زیر ترسیم می‌شود.



نمودار (۱): مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

سوال اساسی پژوهش این است که آیا نظام راهبری و ویژگی‌های حسابرسی باعث افزایش یا کاهش مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود؟

بنابراین با توجه به مبانی نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر بیان شده اند:

- فرضیه ۱: بین مالکان نهادی و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین تنوع جنسیت هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین رتبه‌ی موسسه حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۵: بین تغییر حسابررس و مدیریت سود واقعی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. پژوهش حاضر در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به شمار می‌رود. به علاوه با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیه‌های آن استفاده خواهد شد در گروه تحقیقات غیر آزمایشی طبقه بندی می‌گردد. همچنین تحقیق حاضر به لحاظ معرفت شناسی از نوع تجربه گرا، سیستم استدلال آن استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی - کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدای (یعنی استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. داده‌های این پژوهش، مبتنی بر ارقام و اطلاعات واقعی بازار سهام و صورت‌های مالی شرکت‌ها است که از طریق مراجعه به صورت‌های مالی، پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار و با استفاده از نرم افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین گردآوری شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بر این اساس نمونه انتخابی دارای شرایط زیر است:

- پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند ماه باشد.
 - شرکت‌ها در دوره مورد نظر، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - شرکت‌ها در دوره مورد نظر، توقف فعالیت نداشته باشند.
 - شرکت‌ها جزء شرکت‌های سرمایه گذاری نباشد.
- با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها تعداد ۶۲ شرکت و تعداد ۳۱۰ سال - شرکت طی دوره ۵ ساله ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ برای این پژوهش انتخاب گردید. تمامی آزمون‌های این پژوهش برای نمونه آماری تحقیق با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای R3. 2، SAS9. 4 انجام شده است.

متغیرها و نحوه محاسبه آن‌ها

در این پژوهش به بررسی رابطه نظام راهبری و ویژگی‌های حسابرسی با افزایش یا کاهش مدیریت سود واقعی پرداخته شده است. بر این اساس متغیرهای مستقل تحقیق مالکیت نهادی، تنوع جنسیت هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، رتبه موسسه حسابرسی و تغییر حسابرسی است و متغیر وابسته مدیریت سود واقعی و همچنین متغیر کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی می‌باشد که تعریف متغیرها به شرح زیر می‌باشد:

- متغیر وابسته

مدیریت سود واقعی (Y)

مدیریت سود واقعی مطابق پژوهش کوهن و زاروین (۲۰۱۰) به صورت زیر محاسبه می‌گردد. به صورتی که مجموع باقی مانده‌های مدل‌های زیر در هر صنعت، مدیریت واقعی سود را تشکیل می‌دهند.

۱- اندازه گیری جریان های نقد عملیاتی غیرعادی

$$CFO_{it} / A_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / A_{it-1}) + \alpha_2 (Sales / A_{it-1}) + \alpha_3 (\Delta Sales / A_{it-1}) + \varepsilon_{it}$$

CFO_{it}: جریان های نقد عملیاتی شرکت i در سال tTA_{it-1}: جمع کل دارایی های شرکت i در سال t-1Sales_{it}: فروش شرکت i در سال tΔSales_{it}: تغییرات فروش شرکت i در سال t نسبت به سال t-1ε_{it}: باقیمانده مدل

۲- اندازه گیری هزینه های غیرعادی تولید

$$PROD_{it} / A_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / A_{it-1}) + \alpha_2 (Sales_{it} / A_{it-1}) + \alpha_3 (\Delta Sales_{it,t-1} / A_{it-1}) + \alpha_4 (\Delta sales / A_{it-1}) + \delta_{it}$$

PROD_{it}: بهای تمام شده کالای فروش رفته به اضافه تغییر در موجودی کالا شرکت i در

سال t

ε_{it}: باقیمانده مدل

۳- اندازه گیری هزینه های اختیاری غیرعادی

$$DISEXP_{it} / A_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / A_{it-1}) + \alpha_2 (Sales_{it} / A_{it-1}) + \lambda_{it}$$

DISEXP_{it}: هزینه اختیاری شرکت i در سال t که برابر است با هزینه های اداری، عمومی

و فروش

- متغیرهای مستقل

مالکیت نهادی (X1): متغیر سهامداران نهادی مطابق تعریف بند ۲۷ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار در این تحقیق بانک‌ها، شرکت‌ها و هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد سهام منتشر شده را در دست داشته باشد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

تنوع جنسیت هیات مدیره (X2): در صورت وجود عضو زن در هیات مدیره از متغیر مصنوعی یک و در غیر این صورت از متغیر مصنوعی صفر استفاده می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

استقلال هیات مدیره (X3): در صورت تفکیک وظایف ریاست هیات مدیره از مدیر عامل از متغیر مصنوعی یک و در غیر این صورت از متغیر مصنوعی صفر استفاده می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

رتبه موسسه حسابرسی (X4): رتبه موسسه حسابرسی با توجه به رتبه‌بندی شرکت‌های حسابرسی منتشر شده از طرف سازمان بورس اوراق بهادار انجام شده است. در این رتبه‌بندی شرکت‌ها به چهار گروه تقسیم شده‌اند. در این پژوهش رتبه ۴ برترین رتبه و به ترتیب به رتبه‌های پایین‌تر تنزل پیدا می‌کنند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

تغییر حسابرس (X5): در صورتی که تغییر حسابرس در موسسه صاحبکار نسبت به سال قبل وجود نداشته باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک استفاده می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): در این تحقیق اندازه شرکت با استفاده از لگاریتم فروش محاسبه شده است.

اهرم مالی (Lev): نسبت بدهی‌های شرکت به کل دارایی‌ها است.

توسعه مدل و آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این تحقیق با توجه به اهداف و فرضیه‌های پژوهش مدل شماره ۱ طراحی گردیده که جهت سنجش فرضیه‌های تحقیق این مدل مورد آزمون قرار خواهند گرفت. با توجه به اینکه

متغیر وابسته تمامی فرضیه‌های تحقیق یک متغیر است مدل شماره ۱ برای آزمون فرضیه اول تا پنجم استفاده شده است. مدل شماره ۱ به شرح زیر خواهد بود.

مدل (۱):

$$Y_{it} = \beta_0 + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \beta_3 X_{3it} + \beta_4 X_{4it} + \beta_5 X_{5it} + \beta_6 \text{Size}_{it} + \beta_7 \text{Lev}_{it} + e_{it}; e_{it} = \psi_t + \eta_i + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای مدل تحقیق به شرح زیر تعریف می‌شوند:

Y_{it} : مدیریت سود واقعی شرکت i در سال t است.

X_{1it} : مالکیت نهادی شرکت i در سال t است.

X_{2it} : تنوع جنسیت هیات مدیره شرکت i در سال t است.

X_{3it} : استقلال هیات مدیره شرکت i در سال t است.

X_{4it} : رتبه موسسه حسابرسی شرکت i در سال t است.

X_{5it} : تغییر حسابرس شرکت i در سال t است.

Size_{it} : اندازه شرکت i در سال t است؛

Lev_{it} : اهرم مالی شرکت i در سال t است.

e_{it} : خطای الگوی پانل است که شامل سه جز به صورت: ψ_t : خطای مدل مرتبط به سال‌های

تحقیق؛ η_i : خطای مربوط به مقاطع (شرکت‌های مورد مطالعه) مدل؛ ε_{it} : خطای تصادفی مدل است.

نگاره (۱): آزمون فرضیه‌های پژوهش

مقدار احتمال	مقدار آماره T	پذیرش فرضیه تحقیق	آزمون	فرضیه
کوچکتر از ۰/۰۵	$ T > 1/96$	رد H_0	$H_0: \beta_1 = 0$ $H_1: \beta_1 \neq 0$	اول
			$H_0: \beta_2 = 0$ $H_1: \beta_2 \neq 0$	دوم
			$H_0: \beta_3 = 0$ $H_1: \beta_3 \neq 0$	سوم
			$H_0: \beta_4 = 0$ $H_1: \beta_4 \neq 0$	چهارم
			$H_0: \beta_5 = 0$ $H_1: \beta_5 \neq 0$	پنجم
$Y_{it} = \beta_0 + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \beta_3 X_{3it} + \beta_4 X_{4it} + \beta_5 X_{5it} + \beta_6 \text{Size}_{it} + \beta_7 \text{Lev}_{it} + e_{it}$				

تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جهت تشریح و تلخیص داده‌های جمع آوری شده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، همبستگی و...) و برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی بهره گرفته شده است. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته از رگرسیون پانلی استفاده شده است. همچنین برای تجزیه داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم افزارهای R، Excel و Eviews استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آماره توصیفی

نگاره ۲، آماره توصیفی محاسبه شده شامل میانگین، میانه، انحراف معیار متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی را نشان می‌دهد. با توجه به نگاره ۲ میانگین متغیر مدیریت سود واقعی برابر با ۰/۴۱۳ است. علاوه بر این، میانگین متغیرهای مستقل و کنترلی یعنی مالکان نهادی، اندازه شرکت و اهرم مالی به ترتیب برابر ۰/۵۲۸۱، ۶/۸۴۱۲ و ۰/۱۴۵۷ است.

نگاره (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای پیوسته (متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی)

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ میانگین	
				کران پایین	کران بالا
مدیریت سود واقعی	۰/۴۱۳	۰/۰۳۲۵	۰/۱۷۰۲	-۰/۱۰۰۱	۰/۰۶۲۳
مالکان نهادی	۰/۵۲۸۱	۰/۴۶۷۸	۰/۲۵۲۲	۰/۰۷۰۳	۰/۸۹۶۳
اندازه شرکت	۶/۸۴۱۲	۶/۰۱۲۴	۲/۳۴۷۵	۵/۲۸۰۸	۸/۱۰۱۵
اهرم مالی	۰/۱۴۵۷	۰/۱۴۰۱۴	۰/۱۱۰۹	۰/۱۲۳۴	۰/۱۵۸۰

نگاره ۳ توزیع فراوانی متغیرهای مستقل گسسته تحقیق را نشان می‌دهد. براساس روش نمونه‌گیری از ۳۱۰ سال شرکت، ۱۰ مورد (۳٪/۲۵) دارای تنوع جنسیت و ۳۰۰ مورد (۹۶٪/۷۵) بدون تنوع جنسیت بوده‌اند. همچنین ۲۹۹ شرکت دارای استقلال هیات مدیره و ۱۱ شرکت/سال بدون استقلال هیات مدیره بوده‌اند. ۱۷۹ سال/شرکت چرخش حسابرس را تجربه کرده و ۱۳۱ شرکت این موضوع را تجربه نکرده‌اند. از طرفی ۱۱۶ سال/شرکت دارای رتبه حسابرس ۴

بوده‌اند که بعد از این رتبه، بیشترین فراوانی مربوط به ۱۱۱ سال / شرکت‌های دارای حسابرس با رتبه ۱، رتبه ۳ با ۶۱ سال / شرکت و رتبه ۲ با ۲۲ سال / شرکت بوده است.

نگاره (۳): آماره‌های توصیفی متغیر گسسته تحقیق

متغیر	فراوانی	فراوانی نسبی (%)
سال- شرکت‌های دارای تنوع جنسیت	۱۰	۳/۲۵٪
سال- شرکت‌های بدون تنوع جنسیت	۳۰۰	۹۶/۷۵٪
سال- شرکت‌های دارای استقلال هیات مدیره	۲۹۹	۹۶/۴۵٪
سال- شرکت‌های بدون استقلال هیات مدیره	۱۱	۳/۵۵٪
سال- شرکت‌های دارای چرخش حسابرس	۱۷۹	۵۷/۷۴٪
سال- شرکت‌های بدون چرخش حسابرس	۱۳۱	۴۲/۲۶٪
تعداد سال- شرکت‌های دارای حسابرس رتبه ۴	۱۱۶	۳۷/۴۲٪
تعداد سال- شرکت‌های دارای حسابرس رتبه ۳	۶۱	۱۹/۶۷٪
تعداد سال- شرکت‌های دارای حسابرس رتبه ۲	۲۲	۷/۰۹٪
تعداد سال- شرکت‌های دارای حسابرس رتبه ۱	۱۱۱	۳۵/۸۲٪

تشخیص مدل‌ها

در روش‌های رگرسیون تابلویی نباید در بین متغیرها در طی زمان روند وجود داشته باشد. وجود روند باعث بروز رگرسیون کاذب شده و داده‌ها دارای ایستایی نخواهند بود. نگاره ۴ به بررسی وجود روند در بین متغیرهای مستقل پرداخته است که با استفاده از آزمون لوین و چاو محاسبه گردیده است. همان‌گونه که در نگاره ۴ قابل مشاهده است، فرضیه صفر آزمون مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و بر این اساس متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در سطح مانا می‌باشند. لازم به یادآوری است از آن‌جا که متغیرها در سطح مانا می‌باشند، بنابراین نیازی به آزمون هم‌انباشتگی برای آن‌ها نخواهد بود.

نگاره (۴): آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون لوین

مقدار احتمال	مقدار آماره t	متغیر
۰/۰۰۰	-۱۰۵/۴۶۶۹	مدیریت سود واقعی
۰/۰۰۰	-۰/۰۱۱۰	مالکان نهادی
۰/۰۰۰	-۶۲/۶۹۲۸	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	-۳۹/۲۳۲۷	اهرم مالی

در روش رگرسیون تابلویی به منظور تخمین پارامترهای مدل و آزمون معناداری ضرایب پارامترهای برآورد شده، فرض نرمال بودن و همگن بودن در واریانس‌ها یکی از فرضیات اصلی این روش است، به طوری که توزیع غیر نرمال و ناهمگنی در واریانس متغیر وابسته منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها شده و نتایج درستی را ارائه نمی‌دهد. نرمال بودن متغیرهای وابسته در این تحقیق با استفاده از آزمون کلموگراف - اسمیرنف استفاده شده است که با توجه به مقدار احتمال این آزمون در نگاره ۵ می‌توان گفت فرض نرمال بودن مدیریت سود واقعی را نمی‌توان رد کرد.

نگاره (۵): آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

مقدار احتمال	مقدار آماره	متغیر
۰/۰۳۱۵	۴۳/۴۹۶	مدیریت سود واقعی

با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش سال / شرکت است، باید بررسی گردد که الگوی رگرسیون خطی کمترین مربعات (الگوی تلفیقی)، یا الگوی تابلویی پویا با اثرات ثابت یا الگوی تابلویی با اثرات تصادفی بهترین الگو برای برازش داده‌ها است. برای این امر از آزمون‌های لیمر (F-Limer) و برش پاگان (Breusch-Pagan) و هاسمن (Hausman) استفاده شده است که نتایج آن در نگاره ۶ درج گردیده است. با توجه به نتایج مندرج در نگاره ۶ برای مدل تحقیق بهترین و کاراترین الگو، رگرسیون پانلی با اثرات ثابت است، زیرا در آزمون لیمر و آزمون هاسمن و آزمون برش پاگان فرضیه صفر رد شده است.

نگاره (۶): بررسی نوع برازش الگوی رگرسیون پانلی

مقدار احتمال	مقدار آماره	درجه آزادی	نوع آماره	نوع آزمون
۰/۰۰۰۱	۲/۰۸۵	(۵۱ و ۲۵۳)	F	آزمون F لیمر
۰/۰۰۱۱	۱۰/۶۶۳	۱	χ^2	آزمون برش پاگان
۰/۰۲۴۲	۱۶/۱۰۲	۷	χ^2	آزمون هاسمن

تحلیل و بررسی فرضیه‌های تحقیق

با برازش الگوی رگرسیون تابلویی، سنجش و آزمون فرضیه‌های تحقیق انجام شده است که برای این منظور بر آورد پارامترهای رگرسیون تابلویی با اثرات ثابت در نگاره ۷ به نمایش درآمده است. نگاره ۷ و مقدار آماره F و مقدار احتمال آن نشان می‌دهد که الگوی رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تأثیر مالکان نهادی بر مدیریت سود واقعی برابر ۰/۸۱۳۱ است که این ضریب با توجه به مقدار احتمال آن معنادار است و نشان می‌دهد اگر مالکان نهادی افزایش (کاهش) یابد مدیریت سود واقعی افزایش (کاهش) خواهد یافت.

تنوع جنسیت بر مدیریت سود واقعی تأثیری به میزان ۰/۰۴۳۲ دارد که این ضریب با توجه به مقدار آماره تی و مقدار احتمال معنادار است. این موضوع نشان می‌دهد بین حضور زنان در بین اعضای هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. ضریب تأثیر متغیر استقلال هیات مدیره بر مدیریت سود واقعی برابر ۰/۸۵۴۱- است که تفسیر این ضریب به این معنا است که اگر شرکتی بدون استقلال هیات مدیره باشد به شرکتی با استقلال هیات مدیره تغییر سطح بدهد میانگین مدیریت سود واقعی کاهش معناداری خواهند یافت.

تأثیر متغیر رتبه حسابرسی بر مدیریت سود نشان می‌دهد که این متغیر بر مدیریت واقعی سود تأثیر معنادار دارد و با افزایش رتبه موسسه حسابرسی میانگین مدیریت واقعی سود کاهش معناداری خواهد یافت. همچنین چرخش حسابرسی تأثیر معناداری به میزان ۰/۰۴۵ بر میانگین مدیریت واقعی سود دارد. به عبارت دیگر چرخش حسابرسی منجر به استفاده از سطح بیشتری از مدیریت واقعی سود شده است.

اندازه شرکت بر مدیریت واقعی سود دارای تأثیر معناداری است و هر آنچه اندازه شرکت بزرگ (کوچک) باشد میزان مدیریت واقعی سود به میزان ۰/۴۱۷۸ افزایش (کاهش) خواهد

یافت. به عبارت دیگر هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، میزان مدیریت واقعی سود افزایش خواهد یافت.

متغیر اهرم مالی بر میزان مدیریت واقعی سود تأثیر معناداری ندارند. همچنین آزمون عدم همبستگی باقیمانده‌ها یا آزمون دوربین واتسون، آزمون عدم همبستگی مقاطع (شرکت‌ها) یا آزمون پسران، آزمون عدم وجود روند خطی در باقیمانده‌ها یا آزمون دیکی فولر نشان دادند که الگوی برازش شده دارای صحت و اعتبار کافی هست و میزان تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی به میزان ۸۰/۳۲٪ است.

نگاره (۷): برازش الگوی تحقیق

متغیر	برآورد ضریب پارامتر	مقدار آماره T	مقدار احتمال
مالکان نهادی	۰/۸۱۳۱	۵/۹۵۴۶	۰/۰۰۰
تنوع جنسیت	۰/۰۴۳۲	۸/۴۴۵۲	۰/۰۰۰
استقلال هیات مدیره	-۰/۸۵۴۱	-۷۲۵۰۲	۰/۰۰۰
رتبه موسسه حسابرسی	-۰/۰۱۰۸	-۵/۳۷۴۰	۰/۰۰۰
چرخش حسابرس	-۰/۰۴۵۰	۵/۱۰۲۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۴۱۷۸۲۸	۹/۲۱۴۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۳۴۶	-۰/۳۳۰۱	۰/۷۴۱۵
نام آماره	آماره F	مقدار احتمال	ضریب تعیین
مقدار آماره	۴/۵۷۵	۰/۰۰۰	%۶۲/۴۲
نام آماره	دوربین واتسون	عدم همبستگی مقاطع (پسران)	نبود روند خطی (دیکی فولر)
مقدار آماره (**- معنادار در سطح ۵٪)	۱/۹۰**	۰/۶۶۳۱**	**-۱/۱۱۱

به طور خلاصه نتایج فرضیات این پژوهش در نگاره ۸ درج شده است.

نگاره (۸): نتیجه نهایی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	رابطه	آزمون	نتیجه فرضیه
اول	+	$H_0: \beta_1 = 0$ $H_1: \beta_1 \neq 0$	رابطه معنی داری بین مالکان نهادی و مدیریت سود واقعی وجود دارد.
دوم	+	$H_0: \beta_2 = 0$ $H_1: \beta_2 \neq 0$	رابطه معنی داری بین تنوع جنسیت هیات مدیره و مدیریت سود واقعی وجود دارد.
سوم	-	$H_0: \beta_3 = 0$ $H_1: \beta_3 \neq 0$	رابطه معنی داری بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود واقعی وجود دارد.
چهارم	+	$H_0: \beta_4 = 0$ $H_1: \beta_4 \neq 0$	رابطه معنی داری بین رتبه‌ی موسسه حسابرسی و مدیریت سود واقعی وجود دارد.
پنجم	+	$H_0: \beta_5 = 0$ $H_1: \beta_5 \neq 0$	رابطه معنی داری بین تغییر حسابرس و مدیریت سود واقعی وجود دارد.
$+ e_{it} \quad Y_{it} = \beta_0 + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \beta_3 X_{3it} + \beta_4 X_{4it} + \beta_5 X_{5it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 Lev_{it}$			

نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن است که مالکان نهادی ارتباط مستقیم و معنی داری با مدیریت سود واقعی دارند و این نتیجه با نتایج کار کورنیا و پرادیپتا (۲۰۱۶) نیز همسو می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد بین حضور زنان در بین اعضای هیات مدیره و مدیریت واقعی سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد و این مدیریت واقعی سود از نوع هزینه‌های غیرعادی اختیاری می‌باشد. به این معنا که حضور بیشتر زنان در بین اعضای هیات مدیره باعث بیشتر شدن هزینه‌های غیرعادی اختیاری و به تبع آن مدیریت واقعی سود بیشتر می‌شود. این در حالی است که بین سایر ویژگی‌های هیات مدیره و انواع مدیریت سود رابطه معناداری یافت نشد. نتایج همچنین بیانگر آن است که شرکتی بدون استقلال هیات مدیره به شرکتی با استقلال هیات مدیره تغییر سطح بدهد، میانگین مدیریت سود واقعی کاهش معناداری خواهند یافت. در واقع زمانی که استقلال هیئت مدیره افزایش یابد احتمال می‌رود که میزان دستکاری در فعالیت‌های واقعی از قبیل فروش، هزینه‌های اختیاری و فعالیت‌های عملیاتی کاهش می‌یابد. در نهایت نتایج بیانگر معنادار بودن رابطه چرخش حسابرسی، رتبه حسابرسی و اندازه شرکت با مدیریت سود واقعی می‌باشد که همسو با کار لین و لیو (۲۰۰۹) می‌باشد. این در حالی است که متغیرهای اهرم مالی بر میزان

مدیریت واقعی سود تأثیر معناداری ندارند. به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در شرکتهای ایرانی وجود داشته و بیشتر از طریق هزینه‌های اختیاری نمود پیدا می‌کند. همچنین بازنگری ادبیات مورد بررسی نشان می‌دهد که ارتباطی بین اجزای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در محیط‌هایی که از ضعف نظام راهبری شرکتی، علیرغم وجود قوانین رنج می‌برند، متعدد و متنوع می‌باشد. در کشور ما نیز علیرغم تدوین اصول راهبری شرکتی و ضرورت اجرای آن، تا کنون شرکت‌ها ملزم به ارائه آن حتی به صورت اختیاری به عموم نشده‌اند. بنابراین با توجه به ضعف محیط کنترلی در شرکت‌های ایرانی، توجه به ویژگی‌های حسابرسی در شرکت‌ها می‌تواند عاملی بازدارنده در جهت مدیریت سود بوده و منجر به کاهش آن شود.

با توجه به تأیید وجود رابطه بین ویژگی‌های حسابرسی و مدیریت سود واقعی و با توجه به اینکه درخصوص کشورهای آسیایی راهبری شرکتی ضعیف بوده و نبود بنیان‌های مستحکم و قوی راهبری شرکتی در بخش‌های عمومی و خصوصی این کشورها، منجر به بحران‌های مالی بسیاری شده است، می‌توان پیشنهادهای زیر را بیان کرد:

- الزام و پیگیری اجرای اصول راهبری شرکتی.
- تقویت رعایت منشور کمیته حسابرسی، تدوین شده در سال ۱۳۹۱.

منابع

- Abbadi, Sinan, Hijazi, Qutaiba, Al-Rahahleh, Ayat (2016). " Corporate Governance Quality and Earnings Management: Evidence from Jordan ". Australasian Accounting, Business and Finance Journal, Vol10
- Ayemere, Ibadin & Elijah, Afensimi (2015). " Audit Committee Attributes and Earnings Management: Evidence from Nigeria ". International Journal of Business and Social Research, vol5: 14-23.
- Barton, Jan and Paul J. Simko. (2002). The balance sheet as an earnings management constraint. The Accounting Review, Vol. 77, PP. 1-27.
- Chen Charles j p , Xijia Su , Xi Wu. (2010) Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study, Auditing.. Vol. 29, Iss. 1; pg. 41, 32.
- Greiner. A, J. 2013. Consequences of real earnings management and weak corporate governance: evidence from cash holdings. Available at <http://www.utexas.summon.com>, retrieved on 10. 02. 2013.
- Hassas Yeganeh, Yahya & Sedghi, Roohollah (2011) , "The Structure of Corporate Governance, Earnings Management and Accounting Earnings

- Information Content", doctoral thesis in Accounting, Allameh Tabatabaei University.
- Hassas Yeganeh, yahya, 2005, "The Audit Philosophy", Tehran, scientific and cultural publication.
- Hossein Fakhari, Javad Mohammadi, Mohsen Hassan Nattaj Kordi (2015) , "Examination of the Effect of Audit Committee Characteristics on earnings management through actual items", Experimental studies of financial accounting, Volume 13, Number 46, Pages 130-154.
- Jameei, Reza, Rostamian, Azadeh (2016). "The Impact of the Financial Expertise of the Members of Audit Committee on the Characteristics of Predicted earning". Financial Accounting and Auditing Researches, No. 29: 1-17.
- Kurnia, Yulius & Pradipta, Arya (2016). " corporate governance and real earnings management ". International Journal of Business, Economics and Law, vol9: 17-23.
- Lin Z. Jun and Liu Ming (2009) , “ The Determinants of Auditor Switching from the Perspective of Corporate Governance in China”Corporate Governance: An International Review.
- McNichols, M (2000). "Research Design Issues In Earnings Managements Studies, Journal of Accounting Public Policy, 19 (4- 5): 313-345.
- Mojtahedzadeh, Vida, Valizadeh Larijani, Azam, (2009) , "Results of real earnings management", presented at the twenty-first International Accounting Conference, Asia Pacific Las Vegas, America.
- Moradi Mehdi, Seyed Javad Habibzade Bayghi, Marzieh Najarian, Ali Taghavi Moghadam (2012) "Application of Fuzzy Regression in Explaining the Relationship Between Board Characteristics and Performance of Companies Listed on Tehran Stock Exchange", Journal of Accounting progress, article 5, Volume 4, Number 2, fall and winter 2012-2013, page 119-149
- Nikoomaram, Hashem, Mohammadzadeh, Salte, Heidar (2010) , "Providing a Model to Explain the Relationship Between Corporate Governance and Earnings Quality", management accounting Magazine, third year, Issue Four, Spring 2010, pp. 59-80.
- Pierre K. St and Anderson J. A. (1984). "An Analysis of the Factors Associated with Lawsuits Against Public Accountants". The Accounting Review, Vol. 59, Issue 2, pp. 242-264
- Schipper, K. 1989. Commentary on earnings management. Accounting Horizon 3: 91-102.
- Yu, Wei. (2008). Accounting Based Earnings Management and Real Activities Manipulation. Unpublished Dissertation, Georgia Institute of Technology.

Examination of the Relationship between Governance and Auditing Properties and Real Earnings Management of the Firms Listed in Exchange the Tehran Stock

Roya Darabi¹, Fateme Ajdari²

Received : 2017/01/23

Approved: 2017/05/15

Abstract

The aim of this study is investigating the relationship between governance and auditing properties with real earnings management of the firms listed in the Tehran Stock Exchange. To conduct the study, 62 companies in the Tehran Stock Exchange during 2011 to 2015 were selected to test the hypothesis. Institutional ownership, gender diversity of board of director, independence of board of director, rating of auditing company and change of auditor were selected as independent variables and real earning management as dependent variables. Also, control variables include size and financial leverage. The results show that the institutional owners have significant and direct relationship with real earnings management. The results also show that there is a positive and significant relationship between presence of women as the board members and real earnings management. This is while no significant relationship was found between the other board features and the varieties of earnings management. The results indicate that when a company without an independent board of directors, changes into a company with independent board of directors, the mean of real earnings management decreases significantly. Finally, the results indicate a significant relationship between the audit cycle, audit rating and size of company with real earnings management. This is while the financial leverage does not have a significant impact on the real earnings management.

Keywords: Audit cycle, Audit rating, Gender, Independence, Real earnings management.

JEL classification: G34, M42

DOI :10.22051/ijar.2017.13803.1255

¹ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

Corresponding author (royadarabi110@yahoo.com)

² PhD Student of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

(f.ajdari@gmail.com)